

بررسی برخی از نکات عمده طرح نظام صنفی - ۲

مبانی و اصول پذیرفته شده حقوق فردی، جمعی و عدالت اقتصادی در واحدهای صنفی

دکتر میر هادی زاده

در شماره گذشته، ضمن اشاره به تلاش وزارت بازرگانی در جهت اصلاح قانون نظام صنفی و ایجاد نظام جدید مدیریت اصناف کشور، پیشینه نظام صنفی ایران و مدیریت بازارهای داخلی و خارجی به ویژه بعد از قرن ششم هجری که روح اخوت و تعاون اسلامی بر آن حاکم بوده است، به پاره‌ای از نارسائی‌های نظام موجود پرداخته شد.

نظر به اینکه تلاش‌های جاری چه در زمینه نظام صنفی و چه در امور شهری در مسیر هدف قانونمند کردن مشارکت‌های جمعی و فردی از طریق اتحادیه‌های صنفی و ایجاد هماهنگی مابین شوراهای شهر و صنوف متفاوت، می‌باشد، به نکات عمده طرح ساماندهی تشکلهای صنفی در ارتباط با وظایف نهادهای مشابه پرداخته می‌شود و نظریه‌های موجود در زمینه منافع مشروع صنفی برای فعالیت‌های فردی در برابر فعالیت‌های جمعی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. منظور از «صنف» در این گفتار، دارندگان حقوق فردی و جمعی در اتحادیه‌های صنفی و همچنین اتحادیه‌های تعاونی است و در عین حال چون رابطه این دو نظام با شوراهای شهر نیز مطرح است،

قوانین و مقررات جداگانه هریک از این نهادهای اجتماعی در موارد زیر به یکدیگر وصل می‌شوند:

الف) از دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: حسن روابط همگانی استوار بر مبانی حقوق فردی و جمعی در اصول ۲۶-۲۷-۴۳-۴۴ و اصل یکصدم درباره تشکیل شوراهای ده، بخش، شهر، شهرستان و استان صراحت دارد.

ب) وجود قوانین و مقررات حمایت‌کننده از حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی اسلامی:

یعنی حقوقی که برخلاف فلسفه حقوقی جوامع سرمایه‌داری که سودجو و رقابت‌طلب است، حاکم بر روابط مشروع انسانی است و منافع فردی را بر پایه طبیعت بشری می‌پذیرد.

ج) اتحادیه‌های صنفی و تعاونی در کشور ما مانند بسیاری از حکومت‌های دموکراسی در جهان ریشه‌های تاریخی و شباهت‌هایی در هدفها دارند که از آنجمله بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی - با راهکارهای متفاوت است و در مسیرهای موازی هم حرکت کرده‌اند و از این دیدگاه، راهکارهای صنفی می‌تواند برای تعاونیه‌ها

آموزنده باشد و بالعکس.

اینک به راهکارها و یافته‌های کارشناسی وزارت بازرگانی در این زمینه می‌پردازیم. با علم بر اینکه اقسام محدودیت‌های نظام صنفی موجود (واحدهای صنفی) برای پژوهشگران وزارت بازرگانی مشخص بوده راهکارهای نیل را پیشنهاد کرده‌اند:

۱- تبدیل تشکلهای صنفی شهرها به نهادهای تصمیم‌گیرنده در سیاست بازرگانی داخلی کشور

۲- برداشتن محدودیت زمانی برای انتخابات مدیران مجامع صنفی.

۳- برقرار ساختن ضمانت اجرائی برای تصمیمات اتحادیه‌ها، مجامع صنفی و کمیسیونهای نظارت.

۴- ایجاد هماهنگی و همکاری بین مجامع صنفی، شهرداری‌ها، وزارت کشور و نیروی انتظامی.

۵- تعیین تکلیف تعداد پرشمار واحدهای صنفی بدون پروانه و شناسائی نشده شهرها.

۶- تعیین حدود صنفی از لحاظ فضا، محل استقرار و تشخیص شغل صاحب پروانه و نظایر آن.

۷- ایجاد رابطه مناسب میان نظام صنفی و شوراهای شهر و روستا.

۸. انتقال اطلاعات از نظام تصمیم‌گیری دولتی به شورای مشورتی اصناف و انتظار ایفای نقش اساسی‌تری در اقتصاد کلان کشور از اصناف.

۹. حمایت واحدهای کوچک صنعتی از طریق تجمع سرمایه صنوف تولیدی در شرکتهای سرمایه‌گذاری مربوطه و افزایش حجم مبادلات و صادرات این صنایع در عرصه توسعه صادرات غیرنفتی.

۱۰. مکانیزه کردن واحدهای پخش و فروش کالا از طریق ماشین‌های حسابگر ساده و از این طریق، ثبت عملیات روزانه در حافظه دستگاهها به ویژه ثبت قیمت اجناس، که ایجاد مؤسسه اعتباری برای این منظور را ضرورت بخشیده است تا روش‌های سنتی بکلی حذف و دامنه فن‌آوری‌ها توسعه یابد.

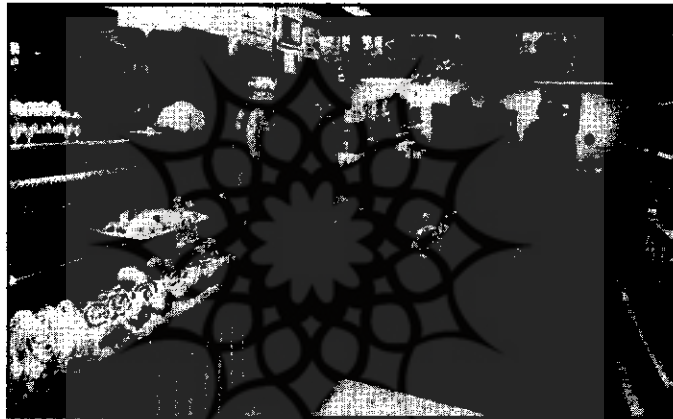
جایگاه نظام صنفی از بُعد اجتماعی

تأکید نظام صنفی بر حمایت حقوق فردی، ضمن تعیین حدود و

مرز فعالیت افراد آن، این نکته را مشخص می‌نماید که در این نظام نیز توجه به ارزش‌های اجتماعی بسیار ضروری است. بعلاوه عدالت و برابری که همگان خواستار آن می‌باشند و از عمده‌ترین نیاز زندگانی فردی و جمعی در کار و حرفه بشمار آمده است با هدف نظم عمومی و ارزش اجتماعی مطرح گردیده و حرکت آزادانه فردی را محدود می‌سازد: چنانچه فردی به عنوان عضو اتحادیه صنفی خواستار آزادی‌های نامحدود باشد شرایط دشواری پدید آمده و احتمالاً منافع سایر اعضا اتحادیه صنفی و مآلاً کل جامعه تضعیف می‌گردد و این حالت دقیقاً مشابه حقوق جمعی در اتحادیه تعاونی‌ها و یا شرکتهای است که نظامی برخاسته از مدنیت و یا جامعه مدنی است.

شوراهای شهر و مجامع صنفی

غالب مقررات و موازین واحدهای نظام صنفی و نظام تعاونی در تماس نزدیک با وظایف قانونی و طرح‌های اجرایی شوراهای شهر می‌باشد. هر یک از این نهادها (نظام‌ها) کم و بیش سازمان‌یافته‌اند و ضمانت اجرایی تصمیم‌های خود را در اختیار گرفته‌اند و یا خواهند گرفت، و برای آنکه ضامن تأمین عدالت اجتماعی و اقتصادی شهروندان خود باشند، وجود رابطه مناسب میان آنها ضروری است. حاصل وجود چنین رابطه‌ای بین نظام صنفی و شوراهای شهری و روستائی بیشتر از پیش احساس می‌شود.



چرا که قبل از انقلاب نیز شوراهائی داشته‌ایم که وظیفه اصلی آنها استیضاح شهردارها بوده است! نه تحسین خلاقیت‌ها، نوسازی‌ها و صرفه‌جویی‌های شهرداران نیرومند و پرکار خود در ساماندهی و حمایت از واحدهای صنفی و تعاونی، که غالباً و به اصطلاح امروز جناح‌بندی‌ها در این امور حاکم بوده است.

در شرایط فعلی نیز روابط نامناسب ممکن است ناشی از انباشته شدن بدهی اصناف، و درگیری‌های حقوقی در این زمینه و یا ناشی از صدور پروانه کسب و پروانه‌های ساخت و سازهای غیرمجاز و قراردادهای پیمانکاری امور شهر باشد. بنابراین شوراهای شهر در امور معاملات، خدمات فنی و خدمات توزیعی در تماس روزانه با

واحدهای صنفی هستند و طرح‌هایی که برای توسعه و عمران شهرها و بخش‌ها تنظیم می‌کنند و به تصویب مراجع عالیتر می‌رسد، می‌باید با همکاری اصناف و تعاون عمومی به مرحله عمل درآید. برقراری رابطه مناسب در طرح جدید نظام صنفی از نکات با اهمیت و مثبت آن می‌باشد.

نقش واحدهای صنفی در اقتصاد کلان

واحدهای صنفی - چنانکه تجربه بعد از جنگ جهانی دوم نشان می‌دهد - واحدهای پیچیده و بزرگ تولیدی و یا توزیعی بشمار نمی‌آیند که محاسبه هزینه و فایده آنها دشوار باشد و یا برای سر پا نگاه داشتن خود در شرایط تورم و بحران، دست به اخراج کارکنان خود بزنند و یا از ریخت و پاش‌ها جلوگیری نمایند، بلکه با حفظ جنبه‌های رقابتی محصولات خود و نوآوری‌های مستمر، می‌توانند هزاران محصول جدید در چرخه بازاریابی قرار دهند. بعد از جنگ جهان دوم با استفاده از این مزیت

واحدهای کوچک موجود در نظام صنفی کشورهای رقیب، گروه‌های کوچک تولیدی تخصصی از تجزیه شرکت‌های بزرگ پدید آمده و با ارزش‌افزائی در اقتصاد ملی خود - نمونه ژاپن و کشورهای اروپائی - از حالت رکود و غیر مولد بیرون آمدند. بنابراین ضررهای اقتصادی واحدهای کوچک تولیدی و صنعتی در شرایطی که اصرار بر خصوصی‌سازی و آزادسازی می‌شود هم برای صاحب صنعت و هم برای اقتصاد کلان در حدود صفر است و از این حیث در شکل مالکیت خصوصی شباهت زیادی به واحدهای تعاونی دارند و چون مصرف‌کنندگان آنها غالباً خانوارهای صاحب صنعت می‌باشند از بهنگام و به سهولت، خود را از غرقاب فساد و

بی‌کفایتی نجات می‌دهند و مازادها را صادر می‌کنند.

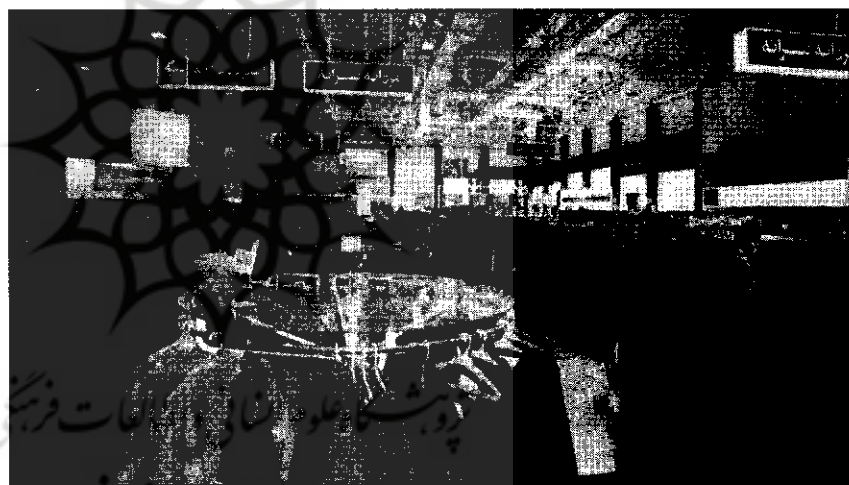
در طرح پیشنهادی «ساماندهی اصناف» برای تقویت مشارکت واحدهای صنفی در اقتصاد کلان به ویژه واحدهای صنعتی کوچک، مؤسسه‌های اعتباری و مالی راه‌اندازی خواهند شد که تجهیزات مورد نیاز خود را تأمین نمایند. این تمهیدات امکان خواهد داد که صنایع کوچک در مسیر افزایش ارزش افزوده ملی بکار گرفته شوند.

نقش واحدهای صنفی در اقتصاد خرد

تهیه‌کنندگان طرح جدید مدیریت اصناف یقیناً به اقتصاد شهری و روستایی با زیربنای فلسفی خاصی نیز نظر دارند

روی وضع مساعد مالی و بهداشتی ندارند و حتی برای قفسه‌بندی و چین اجناس و خریدن سنگ ترازو نتوانسته‌اند تأمین مالی نمایند. در طرح ساماندهی نیز اشاره صریحی به بهبود روابط دوجانبه خریداران و فروشندگان کم‌بضاعت ندیده نمی‌شود. شرکت‌های تعاونی مصرف محلات و کارمندی نیز چنین امکاناتی را در هر محلی برای حاشیه‌نشین‌ها تدارک ندیده‌اند. این مسأله در بسیاری از روستاها حادتر بوده و یا در حدی نیست که حافظ حقوق و منافع اقشار آسیب‌پذیر باشد.

به نظر چنین می‌رسد که یکی از مشکلات انباشتگی واحدهای صنفی در تهران و سایر شهرهای متوسط و بزرگ که هم بدون پروانه



کاسبی می‌کنند و هم وضع مالی مساعدی ندارند، مهاجرت‌های مستمر گروه‌های فقیر و بی‌بضاعت به حاشیه شهرهاست که بجاست در این مقوله مابین شوراهای شهر و روستا، واحدهای صنفی و همچنین شرکت‌های تعاونی راه‌یابی شود.

دو نظام و مفهوم رقابت‌های اقتصادی

پیشنهادهای وزارت بازرگانی برای ایجاد ارزش‌های اقتصادی و اجتماعی در نظام صنفی کشور، نشان می‌دهد که قانون نظام صنفی در راستای تقویت جهات رقابتی

واحدهای تولیدی و توزیعی و خدماتی نیز تنظیم شده تا نقش موثرتر اتحادیه‌های صنفی جهت رقابت در عرضه بازاریابی داخلی و خارجی آغاز گردد، و یا از طریق ایجاد رقابت سالم میان واحدهای صنفی، از قشر مصرف‌کننده حمایت بشود.

چنانچه پیشنهاد مشروح بالا را از نظر تجربه تاریخی و تئوری اقتصادی محک بزنیم به دو ویژگی (خصیصه ذاتی) در خصوص «حمایت مصرف‌کننده» نیز برمی‌خوریم که موضوع هویت‌شناسی فعالیت‌های بخش خصوصی و بخش تعاونی را به میان می‌کشد:

اینکه خصیصه بخش خصوصی به حداکثر رسانیدن سود مالکیت‌های خصوصی است. ولی خصیصه ذاتی بخش تعاونی افزایش میزان رفاه مصرف‌کنندگان عضو با تأمین حداقل سود قابل توزیع می‌باشد و در مواردی حتی انواع کالاها و خدمات به قیمت تمام شده به اعضا فروخته می‌شود و سود آن به صفر می‌رسد که در ترازنامه آخر سال در حساب سرجمع متوازن می‌گردد و اصطلاح حسابداری آن سر به سر کردن منحنی تقاضا و نیز نیمه نهائی است. منحنی تقاضا عرفاً به تقاضای خریداران (تعاونی - غیرتعاونی) اطلاق می‌شود که در بازار تعاونی ما شایع است و فروش به غیر اعضا مشمول پرداخت مالیات نیز می‌باشد که از جمع خرید غیرعضو کسر می‌گردد و خریدهای عضو تعاونی از مالیات بر فروش معاف است، و این مزیتی برای جذب عضو بیشتر و تأمین رفاه مصرف‌کنندگان تعاونی است.

شاید ایجاد رقابت در فروش بتواند بنفع مصرف‌کنندگان باشد ولی در این زمینه و در شرایطی که تعاون فقط خریدار و فروشنده باشد، تنها متعادل بودن قیمت فروشگاه‌های تعاونی می‌تواند اعتماد مصرف‌کنندگان را حفظ کند ولی چاره‌ساز نیست چرا که تعاون تابع تولید ویژه خود نیست. اگر تعاون بتواند از طریق تولید با هزینه کمتر و سود متعارف و

که به نگرانی‌های فقیرترین افراد اجتماع پایان دهند. این مسأله را می‌توان از دیدگاه عدالت اقتصادی، یعنی ارتقا منزلت انسانی از طریق ساماندهی برای رفاه دوجانبه عنوان کرد که موضوع بحث اقتصاد خرد و یا روابط عادی طبقات جامعه با واحدهای صنفی و تعاونی است. بسیاری از واحدهای صنفی بدون پروانه بر پایه نیاز به اشتغال و کسب درآمد برای خانوارهای خود و متقابلاً خدمت به خانوارهای کم‌درآمد در محلات جدید شهرها و یا در روستاها تشکیل شده‌اند که به هیچ

طرح پیشنهادی وزارت بازرگانی برای نظارت اصناف بر اصناف، تلاشی در جهت سپردن کار مردم به مردم است که کارآمدی مجامع صنفی را در نظارت بر عملکرد روزانه واحدهای صنفی تضمین می‌کند

عملکرد روزانه واحدهای صنفی تضمین می‌کند و از درگیری‌های این واحدها با نهادهای تعزیرات، دادگاهها و حتی شوراهای شهر و استان جلوگیری می‌نماید و یا به حداقل می‌رساند.

در طرح پیشنهادی مبانی حفظ حقوق مالکیت فردی مورد توجه قرار گرفته و از تشکلهای صنفی برای مشارکت در تنظیم سیاست بازرگانی و اقتصاد کلان دعوت به عمل آمده است و حمایت از واحدهای صنفی - صنعتی کوچک برای افزایش سهم آنان در تولید ناخالص داخلی پیش‌بینی شده است.

به جهات یاد شده طرح موصوف طرحی است با هدف دستیابی به نظم عمومی و ارزش‌های اجتماعی و اقتصادی آن برای تحقق قسط و عدل و خواستار برقراری روابط حسنه بین نهادهای خصوصی، تعاونی و دولتی است. طرح با در نظر گرفتن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تهیه و تنظیم گردیده و ارتقاء منزلت انسانی را در نظر داشته است. با اینهمه از نظر قیمت‌ها اشارات ضعیفی به روابط نوجانبه خریداران و فروشندگان شده است و چون مسأله مشترک دو نظام (صنفی و تعاونی) حمایت از قشر مصرف‌کننده است، در این زمینه به ویژگی‌های این حمایت نپرداخته‌اند. ولی در ضوابط و معیارهای آن که به آرمان تعاونی‌ها نزدیک باشد قابل تبیین و پیش‌بینی است و دیگر اینکه پیشنهاد می‌گردد که ادغام واحدهای صنفی کوچک و پراکنده و با اتخاذ روش‌های گسسام به گام آموزش، به سرمایه‌گذاری‌های مشترک تعاونی ارشاد شوند تا مشکلات مالی آنها برطرف گردد و نظام یکپارچه صنفی نیز تحقق یابد. ■

تعاونیها را می‌طلبد.

زمینه‌هایی برای مشارکت تعاونی واحدهای صنفی کوچک

بی‌تردید، همگان به محدود بودن شعاع فعالیت بسیاری از واحدهای صنفی اعم از واحدهای تولیدی کوچک، دک‌ها و عرضه‌کنندگان خدمات فنی و نظایر آنها واقف هستند. این محدودیت‌ها چندان است که حتی وجود دو نفر برای اداره یک واحد صنفی زیاد است ولی وسیله امرار معاش خانوادگی به صورت جانشینی مادر بجای پدر و یا فرزند بجای پدر است و همچنین عرصه کار مصداق حقیقی بیکاری پنهان می‌باشد. لذا وجود چنین مشاغل سنتی کم‌بهره در عصر رایانه‌ها و پیشرفت‌های فنی بنام مغازه‌داری، قابل تحمل نمی‌باشد. جالب آنکه هنوز شناخت زمینه‌های عملکرد همکاری مشترک و تعاونی نیز میان آنها ضعیف است و شاید بتوان نحوه گرایش به فعالیت‌های تعاونی را از راه آموزش و تشویق آموزشگاهها و برنامه‌های ویژه رسانه‌های جمعی به آنان نشان داده و حضور راهنمایان تعلیمات تعاونی را در میان آنان خواستار بود که با روش‌های گام به گام به ادغام واحدهای صنفی بپردازند و به سرمایه‌گذاری مشترک تعاونی اقدام نمایند تا مشکلات مالی آنها مرتفع گردد.

نتیجه‌گیری و چند پیشنهاد

پیام طرح پیشنهادی وزارت بازرگانی برای نظارت اصناف بر اصناف، تلاشی در جهت سپردن کار مردم به مردم است که کارآمدی مجامع صنفی را در نظارت بر

در حداقل، با تولیدکنندگان بخش خصوصی و حتی تولیدکنندگان بزرگ رقابت کند و قیمت‌ها نیز ضد انحصاری باشد، توفیق کاهش قیمت به سود مصرف‌کنندگان بدست خواهد آمد و شکستن قیمت‌ها در این حالت تصور باطلی نخواهد بود.

بنابر این مسأله مشترک دو نظام (صنفی - تعاونی) در جریان رقابتها، رسیدن به قیمت عادی و یا قیمت متوسط اجناس در یک دوره فروش است. اما برای حفظ دوره این تعادل سرمایه‌گذاری در تجهیزات و تحمل هزینه‌های توسعه از محل سود عرفی و متعارف نیز ضروری است. و این سرمایه‌گذاری از نیازهای رقابت دو نظام به شمار می‌آید. در این وضع آیا تصمیمات قانون نظام صنفی می‌تواند آنچنان باشد که بی‌آنکه از چماق تعزیرات بهره‌گیرد، در سطح عمومی قیمت‌ها تأثیر بگذارد و آن را حمایت از قشر مصرف‌کننده اعلام کند؟ به‌طور مسلم چنین نخواهد بود، زیرا که قیمت‌ها به‌طور مستمر تحت تأثیر نیازها و عوامل درونی و بیرونی نظام اقتصادی تغییر می‌نمایند و حفظ ثبات نسبی قیمت‌ها برای مصرف‌کنندگان بزرگترین مشکل نظام مزبور است و راه حل عمده این مشکل حذف رقابت‌های انحصاری و مبارزه پی‌گیر با هرگونه احتکار و انحصار است. به شرط آنکه سازماندهی آنها اتحادیه‌های صنفی، اتحادیه‌های تعاونی و شوراهای شهر و استان برعهده گرفته و تعهد نمایند. چنانچه این تعهد در امر سازماندهی اصناف مورد توجه قرار نگیرد، شرکت‌های تعاونی تولید و توزیع نیز از ضوابط و معیارهای تجارتی واحدهای صنفی پیروی خواهند کرد و به مرور به موسسات سودآور، برخلاف آرمان تعاونی تبدیل خواهند شد در حالی که با آزاد گذاشتن فروش کالا در واحدهای تعاونی در نیمه راه سودآوری قرار گرفته‌اند که مطالعه و حتی پژوهش در مشکلات تعاونی و یا انگیزه‌های ویژه مدیران